

بلا و ابتلا آزمون بزرگ خدا

سید احمد رهنمایی

چکیده

خداوند جهان را بیهوده نیافرید تا آن را به حال خود رها کند، بلکه او برای اداره‌ی جهان سنن و تدابیری در نظر گرفته که کسی را بدون اذن و مشیت او یارای مقابله با آن‌ها نیست. طبیعت و اشیای عالم به گونه‌ای تحت تدابیر و قوانین الهی قرار می‌گیرند و انسان‌ها به گونه‌ای دیگر. خداوند دو مسیر حق و باطل پیش‌روی انسان گشود و به وی اختیار و اراده عطا فرمود و از او خواست تا به انتخاب خویش مسیر حق را پیماید و از مسیر باطل دور بماند. تضمین این امر مبتنی بر وضع و اجرای سنت آزمون‌های ویژه بود تا میزان موفقیت بشر را در نظر خود او مشخص کند. خداوند این آزمون‌ها را در قالب‌های کوچک، متوسط، بزرگ و متناسب با اوضاع و احوال بندگان خویش، از روی محبت به بندگان خاص و یا به قصد هشدار برای گروهی دیگر از بندگان و یا به منظور تادیب فاجران و ستمگران تنظیم فرمود تا هر فرد و یا هر جامعه‌ای به فراخور حال، ضمن توجه به پروردگار خویش، رسالت خود را در قبال آزمون الهی به انجام برساند. بلاها به هر قسمش از جمله آزمون‌های خطیر و بزرگ الهی است که به مثابه‌ی آزمون نهایی، صحنه‌ی گزینش برترین‌هاست. نوشتار حاضر در همین راستا و برآن است که با تمرکز بر سنت الهی بلا و ابتلا، سه مسأله‌ی کلیدی را شامل: چیستی و چگونگی بلاها، ظاهر و باطن بلاها و راه‌های رویارویی با بلاها، به ترتیب مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

جیستی و چگونگی بلاها

ماهیت بلا

از میان سنت‌های حتمی و قطعی الهی، بلا آزمونی است که خداوند هر از گاهی آن را همراه با رنج، مرارت و البته بر اساس حکمتی خاص بر بندگان خویش نازل می‌فرماید. بلاها را می‌توان به سه دسته: بلاهای حبی، تحذیری و تادیبی تقسیم کرد. همچنان که توضیح خواهم داد، نظر به این که خداوند هیچ‌گاه ضرر و زیان بندگان را نمی‌خواهد، بلکه بر عکس اراده فرموده به هر طریقی اسباب هدایت و سعادت آنان را فراهم سازد، پس هر سه قسم بلا باید رحمت و لطفی از جانب خداوند مهربان تلقی گردد. از این منظر، انواع بلاها، حتی بلاهای تادیبی از زاویه‌ی سنت رحمانی خداوند به منظور نجات بندگان از خطرات و آفات و پیش‌گیری از زیان‌های ماندگارتر دنیوی، شقاوت و عذاب اخروی بر بشر فرود می‌آید.

بلاهای حبی

بین خداوند و برخی از بندگان خاص او که از اولیا و دوستان بسیار نزدیک خداوند به شمار می‌روند رابطه‌ای کاملاً صمیمی برقرار است. از این دوستان صمیمی خدا رفتاری جز صبر، شکر و بندگی عاشقانه در برابر انواع بلاها مشاهده نمی‌شود. حضرت ابراهیم خلیل‌الرحمن^ع نمونه‌ای بارز از این دوستان خداست که همه جا و در هر شرایطی خواست و پسند محبوبش، خدا را بر خواست و پسند خویش ترجیح داد و به اذن الهی در دل آتش رفت و نوجوان خود، اسماعیل عزیزش را به قربانگاه منی برد، تا آن‌جا که پس از گذراندن موفقیت‌آمیز تمام آزمون‌های سخت و سهمگین به درجه‌ی پر افتخار امامت نایل گردید^۱ و پیشوا و الگوی تمام عیار توحید برای همهی موحدان شد.^۲

مستند به احادیث گفته می‌شود: بالای واقعی مختص دوستان خداست که بر حسب مراتبشان در پیشگاه خدا، از مرتبه‌ی نبوت تا جانشینان انبیا تا پیروان و شیعیان آنان، به شدت و ضعف دریافت می‌دارند^۳ و یا گفته می‌شود: بلا برای دوستان خدا؛ همچون حرارت برای طلاست.^۴ همان‌گونه که حرارت طلا را خالص‌تر و شفاف‌تر می‌گرداند، دوستان خدا نیز در بلاها برگزیده و خالص و مخلص‌تر می‌گردند. بنا بر روایتی، بلا زودتر و سریع‌تر دامن‌گیر دوستان خدا می‌شود تا دامن‌گیر دیگران و این نشانه‌ی عنایت، لطف و محبت خاصی است که خداوند نسبت به دوستانش دارد و وجودشان را مستعد بلا ساخته است تا بر درجاتشان بیفزاید.^۵ بر حسب ظاهر هر چه اولیای خدا در نزد او مقرب‌تر باشند، مراتب بلا و آزمایش آنان شدیدتر خواهد بود. کافی است تاریخ انبیای الهی را

مرور کنیم و از باب نمونه به بلاها و آزمون‌هایی که بر آن بزرگواران نازل گشت بنگریم تا دریابیم در مواجهه با انواع بلاها بر میزان معرفت، صبر، شکر و رضایتشان افزوده می‌شد.

در این‌جا ممکن است این شبهه مطرح شود که پیامبران و اولیای الهی؛ چون بر حق هستند، پس هرگز نباید گرفتار بلا شوند! در مقام پاسخ به این شبهه هم باید به فلسفه‌ی بعثت، نبوت، امامت و ولایت توجه داشت و هم به حکمت بلاها و مصیبت‌ها نظری افکند.

اولاً، در مورد اولیای الهی عشق و عاشقی بسیار کارساز است؛ هر اندازه میزان معرفت، ولایت، عشق و محبت این بزرگواران به خدا بیشتر باشد، مراتب معرفت، صبر، شکر و رضایتمندی آنان در برابر بلاها بالاتر خواهد بود. مهم برای آنان کسب رضایت خداست که نتیجه‌ی اعلا‌ی معرفت الهی، صبر در راه خدا و شکر به درگاه خداست.

ملت عاشق ز ملت‌ها جداست

عاشقان را مکتب و ملت خداست

ثانیاً، طی آزمون‌های بسیار بزرگ، سخت و طاقت‌فرسا، پیامبران الهی برگزیده شدند و امامان به امامت منصوب گردیدند و اولیای الهی به مقام شامخ ولایت الهی رسیدند تا راهبر و اسوه‌ی همهی بشریت از هر قوم، قبیله، ملیت و نژادی باشند و به تمام بشریت نشان دهند که چگونه به معرفت خدا دست یابند و در راه خدا صبر پیشه سازند و شکرگزار نعمت‌های بیکران او باشند تا به مقام رضایت و خشنودی خداوند نایل گردند و به سعادت دنیا و آخرت شرفیاب شوند. آن بزرگواران در راه خدا و برای جلب رضایت او در مسیر برطرف کردن و یا کاستن از آلام مردم و رساندن آنان به سعادت دنیا و آخرت مجاهدت فراوان به عمل آوردند.

ثالثاً، دست کم یکی از حکمت‌های نزول بلاها و مصیبت‌ها را باید نیل انسان به کمالات متعالی و درک مقام قرب الهی دانست؛ اما چه کسانی سزاوارتر از انبیا، امامان و منصوبان الهی به این کمالات و آن مقام قرب؟ به علاوه، قرآن، احادیث و سیره‌ی آن بزرگواران در وقت بلا و مصیبت به صراحت نشان می‌دهد که آنان چقدر زیبا از بلاهایی که خداوند برایشان در نظر گرفته است استقبال کرده‌اند و تمام عیار، راضی به رضای الهی بوده‌اند. خداوند از آنان خشنود و آنان از خداوند راضی تا مخاطب این آیات کریمه قرار گیرند که می‌فرماید: «یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ^۶ ارجعی إلی ربِّک راضیةً مرضیةً»^۷ در حقیقت، همان‌گونه که از تفسیر برخی از آیات قرآن نظیر آیه‌ی ۷ سوره‌ی حشر^۸ و آیه‌ی ۸۰ سوره‌ی نسا^۹ و آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی فتح^{۱۰} برداشت می‌شود، خواست و اراده‌ی اهل بیت (علیهم السلام) مستهلک و محو در مشیت و اراده‌ی



خداست. بدین معنا که آن بزرگواران هر چه را اراده کنند مستند و متکی به اراده‌ی الهی است؛ یعنی در حقیقت اراده‌ی آنان همان اراده‌ی الهی است و خودشان هم ذوب در وجود خدا هستند.^{۱۱} و^{۱۲} در تمامی موارد ابتلا، صبر و شکر مهم‌ترین و جذاب‌ترین واکنش اولیای الهی در رویارویی با بلاها و مصیبت‌هاست. از باب نمونه، قرآن صبر بر آزمون‌های سخت الهی در راه خدا را مهم‌ترین معیار انتصاب پیشوایان الهی به مقام امامت و پیشوایی می‌داند.^{۱۳} باز از باب نمونه، در اولین فراز زیارت ممتحنه مختص، حضرت فاطمه‌ی زهرا - سلام‌الله علیها - چنین می‌خوانیم: سلام بر تو ای امتحان‌شده‌ای که آفریدگارت قبل از آن که تو را بیافریند (بلاهایی را بر تو مقدر فرمود و به واسطه‌ی آن‌ها) تو را آزمود و تو را بر آن آزمون صابر یافت.^{۱۴}

بلای حبی ممکن است شامل حال دوستداران و ارادتمندان راستین اهل بیت (علیهم السلام) نیز بشود. به استناد روایتی به نقل از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)، مدعیان دوستی و محبت اهل بیت (علیهم السلام) بر سه دسته‌اند: گروهی آشکارا دم از محبت آن بزرگواران می‌زنند؛ اما در باطن محبتی نسبت به آن بزرگواران در وجودشان رسوخ نیافته است. گروهی دیگر در باطن و نهان خویش محب اهل بیت (علیهم السلام) هستند؛ اما به هر دلیل در ظاهر این محبت را آشکار نمی‌کنند. گروه سوم کسانی هستند که هم در ظاهر و به طور آشکار و هم در باطن و نهاد خویش عشق و محبت آن حضرات را در دل می‌پروراندند، از سرچشمه‌ی علم و معرفت زلال آن اولیای الهی می‌نوشتند و نسبت به مقاصد، منویات و حکمت‌های الهی آگاه می‌گردند. اینان اهل ولایت و همچون موالیان و محبوبان خویش درگیر انواع بلا، فقر و رنج و مصیبتند، به سختی‌ها، شدا، ظلم و آزارها دچار می‌شوند تا آن‌جا که برخی زخمی و مجروح، برخی شهید و سر از تن جدا و برخی تبعیدی شهرها خواهند شد. مردم در گرفتاری‌هایشان به آنان پناه می‌جویند. به برکت انفس این عزیزان خداوند بیماران را شفا می‌دهد، نابرخورداران را برخوردار می‌فرماید و به وساطت آنان ستم‌دیدگان یاری می‌شوند، باران می‌بارد و مردم روزی می‌خورند. هر

چند تعدادشان اندک است؛ اما در پیشگاه خداوند قدر و منزلتشان بزرگ و بالاست.^{۱۵}

در گزارش دیگری از جنگ جمل، روایت شده است که حضرت علی (علیه السلام) قبل از آغاز جنگ، در حضور یاران خود به این آیه‌ای تمسک یافتند که خطاب به اهل ایمان می‌فرماید: «ایا گمان بردید که وارد بهشت خواهید شد در حالی که هنوز آن‌چه از بلاها بر پیشینیان نازل گشت نصیب شما نشده است». شاید و گرفتاری‌ها احبانا آن قدر سنگین به اقوام گذشته اصابت می‌کرد که پیامبر و پیروان او می‌گفتند، پس کی یاری خدا خواهد رسید؟ (و خداوند به آنان نوید می‌داد که) آگاه باشند یاری خدا به زودی فرا خواهد رسید.^{۱۶}

آن حضرت سپس به منظور جلوگیری از کشت و کشتار میان مسلمانان، قرآنی را در حضور سپاه خویش در دست گرفتند و فرمودند: «چه کسی از شما حاضر است با این قرآن اصحاب جمل را به اطاعت از قرآن فراخواند؟» جوانی به نام مسلم اعلام آمادگی کرد. حضرت فرمودند: «نزد اصحاب جمل بروی، آنان دست راست تو را ابتدا قطع خواهند کرد و تو قرآن به دست چپ خواهی سپرد، آنان دست چپ تو را هم قطع خواهند کرد و پس از آن تو را با ضربات شمشیر به شهادت خواهند رساند.» جوان اظهار داشت نه، من طاقتش را ندارم. بار دوم حضرت ندا دادند، چه کسی حاضر است با این قرآن نزد دشمن برود که برای بار دوم همان جوان اعلام آمادگی کرد و حضرت بار دیگر ماجرای قطع دستان و شهادت را بیان فرمودند که این بار نیز آن جوان خود را پس کشید. تا بار سوم، همان جوان با کمال رشادت و ایمان پاسخ داد: «آنچه فرمودید در راه خدا اندک است، من می‌روم و از قطع دستانم و کشته شدن در راه خدا باکی ندارم.» مسلم رهسپار اردوگاه جمل شد و به دستور مولی، قرآن را فیما بین قرار داد که به ناگه اصحاب جمل بر وی یورش بردند و دست راست و چپ او را قطع کردند و با ضربات شمشیر او را به شهادت رساندند.^{۱۷}

بلاهای تحذیری

قسمی از بلاها، بدون استناد به عملکرد ما بندگان مستقیمی از جانب خداوند نازل می‌گردد تا به مثابه‌ی عاملی پیشگیری کننده، ما را از فرو رفتن در منجلاب شیطانی کفر، شرک، نفاق و گرفتار شدن به آتش غضب الهی بر حذر دارد. این در مواردی است که زمینه‌ی غفلت برای ما فراهم شده است و چنان‌چه به حال خود رها شویم، چه بسا به مصیبت‌های سهمگین‌تری در دنیا و عذاب دردناک‌تری در آخرت گرفتار شویم. بنابراین، خداوند از روی لطف و عنایت خویش بلایی را بر ما بندگانش مقدر می‌فرماید تا به خود آیینم و از غفلت و ابتلا به گرفتاری‌های به مراتب سخت‌تر و جانکاه‌تر رهایی یابیم.

این قبیل بلاها در حقیقت تلنگرهای الهی به شمار می‌روند که ممکن است کم و یا زیاد بر عموم اهل ایمان نازل شوند، با این ویژگی که خداوند بر مبنای لطف و کرامت خویش بندگان با ایمان خود را به این بلاها گرفتار می‌کند تا بلکه به خود آیند و از غفلت و جهالت میرا گردند. اهل ایمان در برخورد با این بلاها، آبدیده و مقاوم‌تر خواهند شد و در نتیجه بر ایمان و استقامتشان در راه خدا افزوده خواهد شد. هشت سال دوران دفاع مقدس یکی از همین دست بلاهای تحذیری بود که سره را از ناسره و مومن را از منافق و انقلابی و ولایتمدار را از عافیت‌طلبان بی‌درد، بازشناساند. جنگ

ظاهرش درد، رنج، زخم، جراحت، قتل و غارتی بود که دشمنان بر ما تحمیل کردند؛ اما بر خلاف میل دشمنان، باطنش گنج معنویت، اقتدار، تجربه، استقامت و تحقق منویات امام و انقلاب بود. این گنج میسر نگردید مگر در اثر صبر و پایداری در راه خدا که فرمود: «والَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ کسانی را که در راه ما مجاهدت می‌کنند به راه‌های خود (که به قرب الهی ختم می‌شوند) راهنمایی می‌کنیم که خداوند قطعاً با نیکوکاران است. در برهه‌هایی از تاریخ رسالت پیامبران الهی، شرایط و اوضاع برای اهل ایمان آن‌چنان سخت و طاقت‌فرسا می‌شد که پیامبر و پیروانش با التجا به درگاه خدا آرزو می‌کردند که ای کاش فرج و یاری خدا نزدیک باشد و خداوند به آنان نوید می‌داد که یاری خدا و پیروزی بر مشکلات و بلاها نزدیک است.^{۱۸}

حضرت امام صادق (علیه‌السلام) نیز، با این تحلیل که رویارویی با بلا، شکستنا بودن و ثبات قدم داشتن در برابر بلا موجب استحکام و سلامتی ایمان خواهد بود، بلا را زینت مومن و لطف الهی در حق وی می‌دانند تا در مورد بلا اندیشه کند و از آن پند پذیرد و عبرت بیاموزد.^{۱۹} بنا به تعبیری، بلا برای مومن حکم بندی را دارد که مومن را در برابر گناهان کنترل می‌کند و مانع ارتکاب معاصی می‌گردد.^{۲۰} روایت دیگری بیان‌گر آن است که خداوند بنده‌ی مومن خویش را به بلاهایی؛ چون بیماری، مرگ عزیزان و فروکاستن از اموال و دارایی مبتلا می‌سازد تا در عوض به او پاداش عطا فرماید.^{۲۱} شیوع ویروس کرونا در این ایام یکی از معدود بلاهای فراگیری است که اهل ایمان را بر آن داشته است تا بیش از پیش به خداوند پناه آورند و با یاد مستمر او از مقام رفیعش مدد بجویند و بر ترک هر گونه گناهی چه صغیر، چه کبیر، چه حق الناس و چه حق الله اهتمام ورزند. سایر افراد هم که یا ضعیف الایمان هستند و یا حتی بی‌ایمان، با دیدن و شنیدن صحنه‌های حساس و دلهره‌انگیز مرگ و زندگی چه بسا هوشیار گردند و به سمت خدا روی آورند. افزون بر صبر و شکیبایی بر بلا، یکی از اموری که بنا به سفارش حضرت امام صادق (علیه‌السلام) می‌تواند در شداید و گرفتاری‌ها مایه‌ی نجات اهل ایمان باشد مداومت بر ذکر شریف «لا حول و لا قوه الا بالله» است. چنین ذکر به تعبیر روایت، کلید گشایش و گنجی از گنج‌های بهشت است.^{۲۲}

بلاهای تادیبی

قسم دیگری از بلاها که به علت عملکرد نادرست بندگان خدا و مسبوق و مستند به ارتکاب گناهان، از جانب خداوند نازل می‌گردد بلاهای تنبیهی هستند. خداوند با نزول این قسم از بلاها، به مثابه‌ی عاملی تادیبی و تنبیهی، طعم آثار



گناهان و نافرمانی‌های بندگان را به کام آنان می‌چشانند، باشد تا متنبه گردند و دست از فسق، فجور، کفر، نفاق، جرم و گناه بردارند و با تضرع، آه، ناله و زاری به آفریدگار خویش روی آورند و با توبه و انابه به درگاه آن کریم متعال، مسیر سعادت دنیا و آخرت را پیش روی خود هموار سازند. چنان‌چه بنده در مقابل گناهانش عمل شایان توجهی نداشت که جبران آن گناهان باشد، خداوند او را به حزن و اندوه گرفتار می‌سازد تا چه بسا با آن حزن و اندوه ناشی از ارتکاب گناه و با پشیمانی راستین روی گناهان خویش را ببوشاند.^{۲۳} این قسم بلاها به تعبیری برای فاجران و اهل کفر و نفاق، ادب و چوب خدا تلقی می‌گردد تا بلکه به خود آیند و یا در برابر اراده، مشیت، قدرت، عظمت و عزت الهی خود را خوار و خفیف و ذلیل ببینند.

بدین ترتیب، بلاهای تادیبی همه تاوان و کیفر جرایم و خطاها و گناهانی است که بندگان خدا مرتکب می‌شوند. قرآن می‌فرماید: «وما أصابکم من مصیبه فبما کسبتأیدیکم ویعفو عن کثیر»؛ هر مصیبتی که به شما برسد پیامد اعمالی است که خود مرتکب شده‌اید، تازه خداوند بر بسیاری از اعمال ناروایتان قلم عفو کشیده است. در مجموع، نظر خداوند بر این است که بندگان خطاکار او با چشیدن طعم بلا به خود آیند و سرانجام به سوی خداوند بازگردند.^{۲۴}



بلاهای تادیبی همه تاوان

و کیفر جرایم و خطاها و

گناهانی است که بندگان

خدا مرتکب می‌شوند. قرآن

می‌فرماید: «وما أصابکم من

مصیبه فبما کسبتأیدیکم ویعفو

عن کثیر»؛ هر مصیبتی که به

شما برسد پیامد اعمالی است

که خود مرتکب شده‌اید،

تازه خداوند بر بسیاری از

اعمال ناروایتان قلم عفو

کشیده است. در مجموع،

نظر خداوند بر این است

که بندگان خطاکار او با

چشیدن طعم بلا به خود

آیند و سرانجام به سوی

خداوند بازگردند.



در جریان همه‌ی ویروس کرونا، کلیبی منتشر شد که نشان می‌داد میلیاردر ایتالیایی به دلیل این که اعضای خانواده‌اش در اثر کرونا کشته شده بودند با اقدام به خودکشی، خودش را از بالای ساختمانی رفیع به کف پیاده‌رو پرتاب کرد و درجا کشته شد.



دستور العمل مشترک در رویارویی با هر سه قسم بلا

با توجه به حکمت بلاهایی که بر بشر نازل می‌شوند، قرآن، احادیث و سیره‌ی معصومین از حضرت آدم تا حضرت خاتم و تا اوصیا و جانشینان آن بزرگواران (علیهم السلام)، افزون بر بایدها و نبایدهای ویژه‌ی هر گروه از بلاها و مبتلایان، مهم‌ترین دستورالعمل مشترک میان مبتلایان برای تحمل بلاها و یا برون رفت و نجات از بلاها، ناله، تضرع، گریه، زاری و التجا به درگاه الهی است. از باب نمونه، به مفاد دو آیه‌ی زیر توجه شود:

« وما أرسلنا فی قریه من نبی الا اخذناه اهلا بالسراء والضراء لعلهم یضرعون »؛ ما در هیچ آبادی، پیامبری (برای هدایت مردم) نفرستادیم مگر این که اهل آن آبادی را به انواع سختی‌ها و مصیبت‌ها گرفتار ساختیم، باشد تا بلکه (به دربار ما) زاری و انابه کنند (و اسباب هدایت و سعادتشان فراهم گردد).

«ولقد أرسلنا الی امم من قبلک فاخذنهم بالباساءوالضراء لعلهم یتضرعون»^{۲۵}؛ به تحقیق ما به امت‌هایی قبل از تو ای پیامبر رسولانی (جهت هدایت آنان) فرستادیم. پس آن امت‌ها را به انواع سختی‌ها و مصیبت‌ها گرفتار ساختیم تا بلکه (به خود آیند و به دربار ما) گریه و زاری کنند (تا اسباب هدایت و سعادتشان فراهم گردد).

ظاهر و باطن بلاها

هر بلایی که دامن‌گیر بشر می‌شود از جنبه‌ی ظاهر و باطن متناسب با احوال و اوضاع افراد بلادیده در یکی از سه دسته‌ی زیر می‌گنجد:

۱. بلا با ظاهری ناخوشایند و باطنی ناخوشایندتر،
۲. بلا با ظاهری ناخوشایند؛ ولی باطنی خوشایند،
۳. بلا با ظاهر و باطنی هر دو خوشایند و رضایت‌بخش.

بلا به حسب ظاهر همیشه همزاد و همراه انواع دردها، رنج‌ها و تلخ‌کامی‌ها ست. از این رو، انسان‌ها سعی دارند به هر طریقی شده با نذر، دعا، صدقه، احسان به هم نوع و... خویشتر را از گرفتار آمدن به بلا مصون دارند. با این وصف، لازم است با توجه به باطن بلا از منظری دیگر نیز به بلا نگریست و در صدد کشف حکمت نزول بلا برآمد. در این میان خواصی از بندگان خدا هستند که به اذن الهی از بلایی که خداوند برایشان مقدر فرموده با تمام وجود استقبال می‌کنند و هیچ خواستی جز خواست خدا برای خویش نمی‌طلبند. اینان همان اولیای الهی هستند که

خشنودی خدا برایشان از هر نعمتی بالاتر و ارزشمندتر است، خواه در رفاه و آسایش باشند و خواه در تنگنا، سختی، درد و رنج. قرآن دو نفر از انبیای الهی را نام می‌برد، یکی حضرت ایوب (علیه‌السلام) و دیگری حضرت سلیمان (علیه‌السلام). حضرت ایوب در رنج، بلا، گرفتاری و مصیبت‌های پی در پی و حضرت سلیمان در مسند حکومت و پادشاهی. جالب این که خداوند در توصیف هر دو بزرگوار در دو آیه از عبارت «... نعم العبد إنه أواب» (ص: ۳۰) و (ص: ۴۴) چه شایسته بنده‌ای بود (ایوب - سلیمان). برای انبیای الهی تفاوتی نداشت در بلا و مصیبت باشند و یا در رفاه و عافیت؛ هر چه باشد آنان همواره در اندیشه‌ی کسب رضایت خدا بودند.

بنابراین، نوع نگرش به بلا بستگی به میزان و درجه‌ی ارتباط انسان با خدا دارد؛ آن کسی که راضی به رضای الهی است بلا را رحمت، نعمت و محبت خدا نسبت به خویش می‌بیند؛ اما برای کسی که به زندگی مادی و حیوانی دل بسته است، بلا جز محنت، نعمت و غضب چیز دیگری نیست. توجه به مضمون روایتی به نقل از رسول گرامی اسلام - صلی‌الله علیه و آله - ما را به این نکته واقف می‌سازد که رویارویی رضایتمندانه با بلا، آن را در نظر ما مقبول و پسندیده قرار می‌دهد و بر عکس برخورد خشمگینانه و نارضایتمندانه با بلا آن را در نظر ما مغضوب و ناپسند می‌کند.^{۲۶}

ظاهر ناخوشایند، باطن ناخوشایندتر

کافران و فاجرانی که دوران زندگانی را محدود و محصور به همین زندگی مادی و جسمانی می‌بینند، تمام تلاششان وقف تنظیم و تقویت یک زندگی مادی مرفه خواهد بود و بنابراین تاب و تحمل کمترین رنج و خسارت را ندارند. مشکلاتی که برای این گروه پیش‌آمد می‌کند و رنج، قرار و آرامش از آنان می‌رباید؛ نتایج و عواقب تلخی را برای آنان رقم می‌زند. آنان هنگامی که تصور می‌کنند نه تنها رفاه، آسایش و آرامش الان را از دست داده‌اند، بلکه آینده‌ی تاریک، ظلمانی و به مراتب سخت‌تری نیز در انتظارشان هست، ظاهر و باطن بلا برایشان رعب‌آور و جانکاه خواهد بود تا آن‌جا که حتی دست به خودکشی می‌زنند. از باب نمونه، در جریان همه‌ی ویروس کرونا، کلیبی منتشر شد که نشان می‌داد میلیاردر ایتالیایی به دلیل این که اعضای خانواده‌اش در اثر کرونا کشته شده بودند با اقدام به خودکشی، خودش را از بالای ساختمانی رفیع به کف پیاده‌رو پرتاب کرد و درجا کشته شد. قرآن شرح حال و عاقبت کسانی را که از خدا رویگردان شده‌اند این چنین بیان می‌فرماید: «ومن أعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً ونحشره یوم القیامه أعمی» (۱۲۴) «قال رب لم حشرتنی أعمی وقد کنت بصیراً» (۱۲۵) «قال کذلک أتک آیاتنا فنسیتها وکذلک الیوم تنسی» (۱۲۶) «وکذک نجزی من أسرف ولم یومن آیاتہ ولعذاب لآخره أشد وأبقی»؛ هر کسی از یاد من رویگردان شود زندگی تنگی نصیبش خواهد شد و روز قیامت او را کور محشور خواهیم کرد. آن‌گاه وی می‌گوید: «چرا مرا کور محشور کردی در حالی که من در دنیا بینا بودم؟» خداوند در جوابش می‌فرماید: «بله نشانه‌های ما برایت آشکار شد اما تو همان‌گونه که آن نشانه‌ها را فراموش کردی، امروز فراموش خواهی شد. این چنین ما کسی را که در دنیا اسراف‌پیشه کرده باشد و به آیات پروردگارش ایمان نیاورده باشد جزا خواهیم داد و البته عذاب آخرت بر او سخت‌تر و ماندگارتر خواهد بود.»

ظاهر ناخوشایند باطن خوشایند

در مواردی برای برخی از بندگان خدا پیش آمدهایی می‌کند که نشان می‌دهد برخلاف ظاهر بسیار هولناکی که در اثر بلا دچارش شده‌اند، باطن بسیار روح‌افزا و دلنشینی را تجربه می‌کنند. ظاهر امر به گونه‌ای جان‌خراش است که کسی را یارای دیدنش نیست، با این وجود، فرد مبتلا به رگم چنین ظاهری، بهترین و جذاب‌ترین وضعیت را تجربه می‌کند.

از باب نمونه، برای ما مستنداتی از رخداد این حالت برای بسیاری از شهدای زنده از میان مجاهدان راه خدا و رزمندگان پاک‌باز اسلام در لحظه‌ی اصابت، جراحت و جان‌بازی روایت شده است که حکایت از ظاهری ناخوشایند و باطنی خوشایند دارند. یکی از این نمونه‌ها روایت جان‌باز شهید، دکتر رفیعی قزوینی است که قبل از شهادتش در شبکه‌ی یک صدا و سیمای جمهوری اسلامی انتشار یافت و هر شنونده و بیننده‌ای را شگفت‌زده کرد. ایشان در یکی از عملیات‌ها بالغ بر ده گلوله (از گردن تا ساق پا) به بدنش اصابت می‌کند. دشمن در همان لحظه بالای سرش حاضر شده و چکمه پوش، صورتش را زیر فشار پاهایش له می‌کند و چند تیر خلاص به او می‌زند که یکی از تیرها نزدیک قلبش جای می‌گیرد. ایشان از آن لحظات حساس گزارش می‌دهد که بعضی‌ها جسد خون‌آلود و پر جراحتش را به زیر ماشین هل دادند و چرخ‌های ماشین را پنجر کردند. این جان‌باز با سعادت در حالی که به نفس تنگی می‌افتد ناگهان خود را در حال پرواز به سوی آسمان می‌بیند و در این اثنا نگاهش به هم‌زمان شهیدش که در جوارش به شهادت رسیده‌اند، می‌افتد و آنان را نیز در حال پرواز می‌بیند و همه احساس نشاط می‌کنند؛ همانند کسی که دارد روی آب شنا می‌کند و امواج آب او را بالا و پایین می‌برد. عجب شور و شوق و نشاطی!

دکتر رفیعی در ادامه می‌گوید: «داشتم لحظات خوش و زیبایی را تجربه می‌کردم. در همان حال احساس کردم دارم سبک می‌شوم، سبک شدم، شاد شدم. ناگهان به خود آمدم دیدم یک چیزی از وجودم خارج شد. خودم را در آسمان مشاهده کردم در حالی که جنازه‌ی خودم را هم می‌بینم که با همان حالت سراسر جراحت زیر ماشین رها شده است. نه تنها دیگر دردی را احساس نمی‌کردم، خیلی هم خوشحال بودم، شاد بودم. یک گوشه‌ای از آسمان نظاره‌گر خودم و دوستان شهیدم بودم. پیش خود گفتم چقدر خوبه بروم آن گوشه‌ی آسمان. تا گفتم بروم آن گوشه‌ی آسمان، په‌ناگه دیدم آن گوشه‌ی آسمانم. بعد گفتم بروم این طرف آسمان، دیدم این طرف آسمان هستم. آن‌جا دیگر قید زمان و مکان نبود، اراده کردن همان و محقق شدن اراده، همان. آن‌جا دیگر باطن عالم است. جنازه‌های دوستان خودم را مشاهده می‌کردم و در عین حال دوستانم را در حال پرواز می‌دیدم. آسمان به طرز شگفت‌انگیزی زیبا بود.



این جان‌باز با سعادت در حالی که به نفس تنگی می‌افتد ناگهان خود را در حال پرواز به سوی آسمان می‌بیند و در این اثنا نگاهش به هم‌زمان شهیدش که در جوارش به شهادت رسیده‌اند، می‌افتد و آنان را نیز در حال پرواز می‌بیند و همه احساس نشاط می‌کنند.

دینا که چیزی نیست. انسان اگر زیبایی‌های این عالم را ببیند، می‌فهمد آفریدگار عالم چه نقاش بزرگی است! آسمان یک آسمان دیگر و فضا یک فضای دیگر بود و حالات یک حالات دیگر. همراه دوستانم حرکت می‌کردم، آن‌ها هم در نهایت شادی به سر می‌بردند. در این حالت یک کسی آمد روبروی من، به قدری زیبا بود که اگر همه‌ی زیبارویان عالم جمع شوند، بند انگشت زیبایی او نخواهند شد و صدایش نیز بسیار دلنشین و زیبا بود. به من گفتند برگرد، شما خودت نخواستی که بیایی، برگرد. گفتم نه من می‌خواهم بیایم. فرمودند اسامی را که دادند به من که بیمارشان، اسم شما در لیست نبود. شما بمانید برگردید، بعدها شما را دعوت می‌کنیم که بیایید. حتی جای خودم را هم نشانم دادند، تعدادی از شهدا که قبلا به شهادت رسیده بودند در کنارشان یک جای خالی بود. گفتند این جای شماست الان نمی‌آیی، بعدا خواهی آمد. گفتند برگرد. من برگشتم به همان جسم پر درد و مجروح خودم و همان درد و عطش قبلی.^{۳۷}

در نظر کسانی که خویش را وقف خداوند و کسب رضایت او کرده‌اند انواع بلاها، مصیبت‌ها، درد و رنج‌ها به رگم ظاهر هولناکشان از باطنی لطیف، رغبت‌آور و دوست‌داشتنی برخوردارند. چنان‌چه انسان خویشتر را در اختیار خداوند قرار دهد و برای کسب خشنودی و قرب به او تلاش کند، هر بلایی در زندگی به او رسد، با چشم بصیرت، باطن بلا را هم مشاهده می‌کند و در این صورت، بلا برایش خوشایند خواهد شد. این‌جاست که گفته می‌شود ظاهر بلا ناخوشایند است و باطن بلا خوشایند.

در نظر کسانی که خویش

را وقف خداوند و کسب

رضایت او کرده‌اند انواع

بلاها، مصیبت‌ها، درد و رنج‌ها

به رگم ظاهر هولناکشان از

باطنی لطیف، رغبت‌آور و

دوست‌داشتنی برخوردارند.

چنان‌چه انسان خویشتر را در

اختیار خداوند قرار دهد و برای

کسب خشنودی و قرب به او

تلاش کند، هر بلایی در زندگی

به او رسد، با چشم بصیرت، باطن

بلا را هم مشاهده می‌کند و در

این صورت، بلا برایش خوشایند

خواهد شد. این‌جاست که گفته

می‌شود ظاهر بلا ناخوشایند

است و باطن بلا خوشایند.

ظاهر خوشایند و باطن سراسر نور و امید

باطن امور و حقیقت اشیا برای اولیای الهی و خواصی از بندگان خدا، آن چنان روشن و آفتابی است که با توجه عمیق به آن باطن، ظاهر امور اصلاً توجه آنان را به خود جلب نمی‌کند و آنان را از توجه به باطن باز نمی‌دارد تا جایی که آن باطن مستقیماً همان ظاهر دردناک را تحت‌الشعاع خود قرار داده، آن را در کام و روان شخص مصیبت‌زده و بلا دیده شیرین و دل‌پذیر جلوه می‌دهد. در این حالت، داستان روایتی از تقابل روح و بدن است. بستگی به این که کدام یک از این دو ساحت مادی و روحانی قوی و نافذتر باشد، یکی تحت تاثیر دیگری قرار خواهد گرفت. در نزد اولیا و خواص بندگان خدا غلبه و اشراف با ساحت روحانی است و بدین ترتیب، روحانیت شخص جنبه‌ی جسمانیت و مادیت او را منقلب می‌سازد، گو این که وی عنصری به جز عنصر روحانی ندارد. در این حالت دردها، رنج‌ها، مصیبت‌ها و شکنجه‌ها واقعی؛ ولی شیرین به نظرش می‌رسد. آن چه بیان شد حالتی روحانی است که ممکن است بسته به شرایط گاه باشد و گاه نباشد. بدیهی است نظر به این که پاداش صبر بر بلا در نزد خداوند بسیار بزرگ و فراوان است، در شرایطی ولی خدا اراده می‌کند که درد و رنج ناشی از بلا را تحمل کند تا برایش در نزد خداوند پاداش بیشتری منظور گردد. با توجه به چنین شرایطی است که پیامبر اکرم می‌فرماید: «إِذَا أَصَبْتُمْ بِمَصِيبَةٍ فَادْكُرُوا مَصِيبَتِي فَإِنَّهَا أَكْظَمُ الْمَصَائِبِ»؛^{۱۸} هر گاه به مصیبتی گرفتار آمدید، یاد مصیبت من باشید چرا که مصیبتی که بر من وارد آمد، بزرگترین مصیبت‌ها بوده است. در این وضعیت عادی ولی خدا نیز؛ همانند افراد عادی و متعارف واقعا درد، رنج بیماری، مصیبت، زخم شمشیر و سوزش سم هالک را احساس می‌کند، در عین حال نگاهش را از فرجام بلا دور نمی‌دارد تا بلا در نظرش خوشایند بماند، به ویژه با این بینش و معرفت عمیق که می‌داند خداوند بر حسب مصلحت و مشیتش و متناسب با شان و رتبه‌ی وی در نزد خود بلا را بر او نازل فرموده است. آثار چنین بینش، بصیرت و معرفتی است که بر اساس آن حضرت زینب کبری - سلام‌الله علیها - مصایب هولناک کربلا را جمیل می‌بیند و در برابر نیش زبان ستم‌گران با فریاد رسا می‌فرماید: «ما رأیت الا جمیلاً».

رویارویی با بلاها و مصیبت‌ها

چرا و چگونه؟

عقل سلیم و خرد ناب ما را از دامن زدن به آفت‌ها، آسیب‌ها و بلاها از هر قسمی و به هر رنگی که باشند برحذر می‌دارد. افزون بر این، دین مبین اسلام با تاکید بر پیش‌گیری، هر گونه زمینه‌سازی برای ابتلا به بلاها و مصیبت‌ها را به شدت ممنوع فرموده است. یکی از موثرترین عوامل زمینه‌ساز نزول بلا را باید گناهی دانست که از انسان سر می‌زند. در فرازهای آغازین دعای نورانی کمیل از گناهی به درگاه خدا استغفار می‌کنیم که از جمله موجب نزول بلا می‌شوند، «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تنزل البلاء»؛ بارالها! آن گناهی را که به نزول بلا می‌انجامد بر من بیخشای.

قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) به دلیل نقشی که گناهان در گرفتار شدن به بلا و مصیبت بر جای می‌گذارد، ما را از ارتکاب گناهان بر حذر می‌دارند. قرآن می‌فرماید: «وما أصابکم من مصیبه فَمَا کَسَبْتُمْ أیدیکم و عفو عن کثیر»؛ هر مصیبتی که به شما رسد نتیجه‌ی کارهایی است که خود انجام داده‌اید. این در حالی است که خداوند بر بسیاری از گناهانتان قلم عفو می‌کشد. «ظهر الفساد فی البرّ والبر بما کَسَبْتُمْ أیدی النَّاس لیذیقکم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون»^{۱۹}،





همین که در اثر عملکرد انسان‌ها فساد در خشکی و دریا بارز گردد، خداوند نتیجه‌ی پاره‌ای از اعمال ناشایست‌شان را به آنان خواهد چشاند، به این امید که به سوی خدا بازگردند. رهنمودهای

معصومین (علیهم السلام) نیز یادآور می‌شوند که انسان با ایمان از ترس گرفتار شدن به بلا و به امید دریافت رحمت پروردگار، خویشش را از ارتکاب گناه مصون می‌دارد.^{۳۰} این رهنمودها به ما سفارش می‌کنند که تمام تلاش و اهتمام خویش را برای رهایی از بدبختی، عقوبت، نجات از بلا، درد و رنج به کار بندیم.^{۳۱} روایات معصومین (علیهم السلام) هم‌چنین یادآور می‌شوند که می‌توان با دعا و نیایش به درگاه خدا از بروز امواج بلا قبل از فرود آمدن بلا پیشگیری کرد.^{۳۲} از منظر آیین و شریعت اسلامی کسی حق ندارد بدون دلیل قانع‌کننده‌ی منطقی و شرعی، حتی زمینه‌ی ابتلا را برای خود و یا دیگران فراهم آورد، تا چه رسد به این که خواسته باشد خود و یا دیگران را درگیر بلا کند. در هر صورت، حفظ سلامتی جسمانی و روانی از مهم‌ترین وظایف هر انسان با ایمان به شمار می‌رود. اسلام وارد کردن هر گونه ضرر و صدمه‌ای به بدن را حرام شمرده و حتی بابت هر خراش ساده به بدن جریمه‌ای مالی تعیین کرده است. از این رو، اسلام حفظ سلامتی را از مهم‌ترین واجبات دانسته است. هیچ دین و آیینی به اندازه‌ی اسلام به سلامتی روحی، روانی و جسمانی بها نداده است، تا آن‌جا که حتی در مورد پیش‌پا افتاده‌ترین اعمال و رفتار ما آداب خاصی را برای رعایت بهداشت و سلامتی وضع فرموده است. بنابراین، ما همواره و در هر شرایطی در رویارویی با بلاها باید تا هر جا که میسر است تدابیر لازم و از جمله باید‌ها و نبایدهای زیر را به کار بندیم:

۱. باید قبل از هر کاری از سیره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) و منش اولیای الهی به هنگام گرفتاری و بلا یاد بگیریم که چگونه با بلا روبرو شویم؛ نترسیم، غمگین و ناامید نگردیم، به الطاف الهی امیدوار باشیم و به عنایاتش خوش‌بین و چشم انتظار فرجی باشیم که خدای مهربان برای ما رقم زده است و باور کنیم که بعد از هر سختی و تنگنا، آسایش و آرامش خواهد بود.^{۳۳}
۲. باید همواره و مدام به یاد حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - باشیم و بدانیم که آن بزرگوار طبق فرموده‌ی خودشان هرگز از یاد ما و رسیدگی به اوضاع

شیعیان غافل نبوده و نیستند و ما را به حال خود رها نکرده‌اند و گر نه سختی‌ها و تنگناها بر ما فرود می‌آید و دشمنان ما را در هم می‌شکستند.^{۳۴}

۳. باید برای تعجیل در فرج حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - خاشعانه دعا کنیم که فرج آن مولی، فرج همه و موجب گشایش امور و رفع هم و غم از جهان بشریت خواهد بود.

۴. باید با رعایت کامل نکات ایمنی و به ویژه نکاتی که اسلام به زبان آداب، برای انتخاب سبک زندگی بهتر و سالم‌تر، آن‌ها را به ما گوش‌زد فرموده است نسبت به پیش‌گیری از بروز هر نوع آفت و آسیبی اقدامات لازم را به جای آوریم.

۵. باید توجه داشت که شکیبایی بر بلاها کلید گشایش است،^{۳۵} هم‌چنان که شکر نعمت موجب تثبیت و افزونی نعمت‌های الهی است. پس باید صبر بر بلا و شکر بر نعمت‌های الهی را دوشادوش همدیگر شعار خود قرار دهیم. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «کسی که پس از دریافت هزاران نعمت و قبل از رسیدن به هزاران راحتی و آسایش، بابت رنج و زحمتی کوتاه و ناپایدار زبان به شکایت می‌گشاید، به خیرش امیدی نیست. کسی که در برابر بلا، حق صبر و شکیبایی را به جای نمی‌آورد از پاداش شکر نعمت‌ها بهره‌ای نخواهد برد. و کسی که شکر نعمت‌ها به جای نیآورد، از دریافت پاداش صبر بر بلا محروم خواهد شد و هر کسی که از صبر و شکر محروم ماند، از درگاه الهی رانده خواهد شد.»^{۳۶} مراقب باشیم جزو رانده‌شدگان از درگاه خدا نباشیم.

۶. باید با تضرع به دربار الهی، ضمن اعتماد به خداوند یکتا و توکل بر الطاف بیکران آن ذات مقدس، ترس و ناامیدی را کنار بزنیم و با کمال باورمندی، توانمندی و امیدواری به فضل و احسان خدا برای رفع بلا تدبیر کنیم.

۷. باید همواره احوال خویش را بیازماییم و بدانیم چنان‌چه به هنگام بلا و مصیبت حالت تضرع به درگاه خدا به ما دست نداد، به احتمال زیاد دچار قساوت و سختی قلب شده‌ایم.^{۳۷} در چنین حالتی چاره کنیم تا نه تنها از بدتر شدن احوال خویش جلوگیری کنیم، بلکه برای ترمیم و بهبود احوال بد خویش اندیشه کنیم تا به تدریج قلب ما بشکند و خداوند به ما توجه خویش را مبذول دارد.

۸. نباید از تضرع به درگاه خدا غافل ماند. چنان‌چه دعا، تضرع، گریه و زاری به درگاه خدا را فراموش کنیم، از پیش نظر خدا خواهیم افتاد و به حال خود رها و واگذار خواهیم شد و این، خود، اول مرحله‌ی بدبختی و رنج مدام ما خواهد بود.^{۳۸} و^{۳۹}

۹. باید تاریخ اقوام و امم گذشته را ورق بزنیم تا دریابیم هر گاه



از منظر آیین و شریعت

اسلامی کسی حق ندارد

بدون دلیل قانع‌کننده‌ی

منطقی و شرعی، حتی

زمینه‌ی ابتلا را برای خود و

یا دیگران فراهم آورد، تا چه

رسد به این که خواسته باشد

خود و یا دیگران را درگیر

بلا کند.





تا رحمت الهی را جلب نمایند. ما نباید در هیچ شرایطی و به ویژه در شرایط کنونی از التجا به درگاه خدا و نجوا با او غافل بمانیم.

۱۳. باید در هر موقعیتی نظر به رضایت خداوند منان داشت و راضی به قضا و رضای الهی بود که حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «راضی بودن به قضای ناخوشایند خدا بالاترین درجه‌ی یقین و باورمندی است.»^{۴۳}

۱۴. نباید نسبت به بلاهای تباه کننده‌ی دین و دنیا و عواقب آن غفلت ورزید، در غیر این صورت جبران خسارت‌های ناشی از آن بلا یا میسر نخواهد گشت و یا به سختی میسر خواهد شد.

در پایان، یادآوری این نکته به نظر مهم می‌رسد که صرف نظر از این که بلا حبی باشد، یا تحذیری و یا تنبیهی، از برخی آیات قرآن چنین برداشت می‌شود که خداوند به هنگام نزول بلا بر بندگان خود، سه عنصر مهم ترس و گرسنگی و فروکاستن از اموال، اشخاص و تولیدات را بستر بلا قرار می‌دهد تا میزان و درجه‌ی ایمان، معرفت، استقامت، شایستگی اعمال، ارزش مجاهدت و صبوری آنان را معلوم دارد.^{۴۴} این سه عنصر بلا و مصیبت درست نقطه‌ی مقابل سه عنصر حیاتی و کلیدی زندگانی هستند که اگر معیوب گردند و یا نابود شوند، زندگی طعم و معنای خود را از دست خواهد داد. آرامش خاطر، نیرو و نشاط، امیدواری به تداوم حیات همه از عناصر کلیدی زندگانی بشر هستند که در اثر ترس، ضعف، مرگ عزیزان، کم و کاستی اموال و دارایی‌ها به شدت مخدوش و آسیب‌پذیر خواهند بود.

ترس برادر مرگ است و مقابل آرامش خاطر: ملتی که ترس را شعار خویش قرار دهد پیشاپیش به استقبال مرگ رفته است.

گرسنگی برادر کفر است و مقابل ایمنی و نیرو و نشاط: ملتی که برای رفع مشکل قحطی و گرسنگی تلاش نکند، بیم آن می‌رود که دستش به ازای از دست دادن ایمانش به سوی کافران و ناهلان دراز شود و سرانجام به سرای کفر وارد شود و دین خود را به دنیایش بفروشد.

فروکاستن از دارایی، اشخاص و تولیدات برادر ناامیدی است و مقابل امیدواری به ادامه‌ی حیات: ملتی که نتواند در تجارت خویش سود قابل توجهی به هم رساند و یا از حد معمول بهداشت و سلامتی پایین‌تر بیاید و دچار مرگ و میر نسل شود و یا در کشت و صنعت دچار آفت گردد و محصولات و تولیداتش کم و کسری بیاید، چنین ملتی چه بسا کارش به یاس و ناامیدی بکشد.

آنان حتی پس از نافرمانی خدا و پیامبران به خود آمدند و به درگاه خدا پناه آوردند و گریه و زاری سر دادند، خداوند هم دوباره چتر رحمتش را بر سر و روی آنان گستراند و آنان را نجات مرحمت فرمود. داستان قوم حضرت یونس (علیه السلام) را از یاد نبریم که حضرت یونس آنان را در اثر نافرمانی‌هایشان با حالتی از ناراحتی ترک فرمود و راه سفر به سرزمینی دیگر را پیش گرفت. در میان آن قوم فرد بزرگ و با تجربه‌ای زندگی می‌کرد که به آنان توصیه کرد اگر دوست دارید عذاب الهی با رفتن حضرت یونس (علیه السلام) از جمع شما بر شما نازل نگردد، خود و اهل و عیالتان به درگاه خدا انابه، تضرع و زاری کنید. نتیجه این که عذاب الهی از آن قوم برطرف گردید و حضرت یونس گرفتار نهنگ دریا شد و چهل روز در درون شکم آن نهنگ به درگاه با تسبیح و ذکر خاص مشهور به «ذکر یونسیه»^{۴۵} گریه و زاری سر داد تا سرانجام ایشان هم نجات یافت و برای انجام رسالت الهی خود به جانب قومش بازگشت.^{۴۶}

۱۰. باید اذکار مناسبی را برای تضرع به درگاه خدا یاد گرفت. موثرترین و ساده‌ترین ذکر برای تضرع در نزد خدا برای رفع گرفتاری‌ها ذکر یونسیه است.

۱۱. باید در حکم انسان‌های گرسنه و قحطی زده به پیشگاه خداوند کریم ناله سر دهیم و ملتسمانه از او بخواهیم از نعمت‌های خویش به ما نیازمندان و درماندگان کمک کند، مبادا در اثر گرسنگی کارمان به کفر بینجامد. در چنین شرایطی بجاست به منظور جلب رحمت و کرامت بیشتر حق، قشر دارا و برخوردار ما به افراد و خانواده‌های کم‌بضاعت و نابرخوردار کمک کنند تا کسی گرسنه نماند و کارش به ذلت و احیانا کفر نکشد. با این همراهی، اسباب خشنودی خداوند فراهم خواهد آمد و رحمت الهی نازل خواهد گشت و در نتیجه ما خواهیم توانست با روح جمعی، همدلی و مهربانی، همه با هم و پشت و پناه هم در رفع بلا بکوشیم.

۱۲. لازم است با گریه و زاری به درگاه الهی، او را به اسمای حسنا و به ویژه به اسم «یا جابر» سوگند دهیم تا کم و کاستی‌هایمان را جبران فرماید. بدین منظور، باید قناعت پیشه کنیم و بابت آن چه داریم شاکر باشیم و تا آن جا که در توانمان هست از نظر فکری و عملی حق نعمت‌های الهی را به جای آوریم تا خداوند نیز بر ما بندگان منت گذارد و از رحمت خویش بر ما بیچارگان ترحم فرماید و در برطرف شدن رنج و بلا به ما مدد رساند. امروزه در شرایط بحرانی ناشی از هجوم و ویروس کرونا، حتی گروهی از مسیحیان در یکی از کلیساهای بزرگ در کشور نیوزلند به صورت هم‌خوانی و به طرز بسیار زیبا اسمای حسنا الهی را نجوا می‌کنند

پی‌نوشت‌ها

۱. بقره، ۱۲۴.
۲. ممتحنه، ۴.
۳. «البلاءُ لِلْوَالِدِ ثُمَّ لِلْأَوْصِيَاءِ ثُمَّ لِلْأُمَّمِ فَلَا تُمَلُّ».
۴. «البلاءُ لِلْوَالِدِ كَاللَّهَبِ فِي الذَّهَبِ»، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، شرح مصباح الشریعة / ترجمه عبد الرزاق کیلانی، تهران، پیام حق، چاپ: اول، ۱۳۷۷.
۵. «... أَنَّ الْبُلُوَّ إِلَى أَوْلِيَائِي أَسْرَعُ مِنْهَا إِلَى أَعْدَائِي وَ ذَلِكَ حُسْنٌ نَظَرٍ مِنِّي لِأَوْلِيَائِي اسْتَعْدُوا لِجَلْبَائِي»، قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، قصص الأنبياء عليهم السلام، مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۶. الفجر، ۲۷.
۷. همان، ۲۸.
۸. «... وَمَا أَتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (الحشر: ۷)».
۹. «مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فِيمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (النساء: ۸۰)».
۱۰. «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا (الفتح: ۱۰)».
۱۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ایران، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۰ ق.
۱۳. «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يوقنون (السجدة: ۲۴)».
۱۴. «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُنْتَحِنَةً امْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لَمَّا امْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرَةً، مفید، محمد بن محمد، کتاب المزار - مناسک المزار، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. «دَخَلَ عَلَى الْأَمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ قِيَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ مِمَّنَ الرَّجُلُ قِيَالَ مِنْ مُحِبِّكُمْ وَ مَوَالِيكُمْ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرُ عَ لَا يَحِبُّ اللَّهُ عَبْدَ حَتَّى يَتَوَلَّاهُ وَ لَا يَتَوَلَّاهُ حَتَّى يُوَجِّهَ لَهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ لَهُ مِنْ أَيِّ مُحِبِّينَا أَنْتَ فَسَكَتَ الرَّجُلُ فَقَالَ لَهُ سَدِيدٌ وَ كَمْ مُحِبُّوكُمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ عَلَى ثَلَاثِ طَبَقَاتٍ طَبَقَةٌ أَحِبُّونَا فِي الْعَالَمِيَّةِ وَ لَمْ يَحِبُّونَا فِي السَّرِّ وَ طَبَقَةٌ يَحِبُّونَا فِي السَّرِّ وَ الْعَالَمِيَّةِ فَهُمْ التَّمَطُّ الْأَعْلَى شَرِبُوا مِنَ الْعُذْبِ الْفَرَاتِ وَ عَلِمُوا تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَ فَضَّلَ الْخُطَابَ وَ سَبَّبَ الْأَشْيَابَ فَهُمْ التَّمَطُّ الْأَعْلَى الْفَرُّ وَ الْفَاعِقَةُ وَ أَنْوَاءُ الْبَلَاءِ أَسْرَعُ إِلَيْهِمْ مِنْ رِضَى الْخَيْلِ مَسْتَهْمٌ الْبِئْسَاءُ وَ الصَّرَاءُ وَ زُلْزَلُوا وَ قَسَبُوا فَمِنْ بَيْنِ مَجْرُوحٍ وَ مَذْبُوحٍ مُتَفَرِّقِينَ فِي كُلِّ بِلَادٍ قَاصِبَةٍ بِهِمْ يَشْفِي اللَّهُ السَّقِيمَ وَ يَغْنِي الْعَدِيمَ وَ بِهِمْ تُنْصَرُونَ وَ بِهِمْ تُنْطَرُونَ وَ بِهِمْ تُرْزَقُونَ وَ هُمْ الْأَقْلُونَ عِنْدَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا وَ خَطَرًا، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۱۶. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مِثْلَهُمُ الْبِئْسَاءُ وَ الصَّرَاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (البقرة: ۲۱۴)».
۱۷. ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۹، ص ۱۱۲.
۱۸. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مِثْلَهُمُ الْبِئْسَاءُ وَ الصَّرَاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (البقرة: ۲۱۴)».
۱۹. «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبَلَاءُ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ وَ كِرَامَةُ لِمَنْ عَقَلَ لِأَنَّ فِي مُبَاشَرَتِهِ وَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ وَ الثَّبَاتَ عِنْدَهُ تَضْحِيحٌ [تَضْحِيحًا] بِسُنَّةِ الْإِيمَانِ ... شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مُسَكِّنُ الْفَوَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْبَةِ وَ الْأَوْلَادِ، قم، چاپ: اول، بی تا ص ۵۲.
۲۰. «البلاءُ لِلْمُؤْمِنِ كَالشَّكْلِ لِلدَّائِمَةِ وَ الْعَقْلِ لِلْإِبْلِ، همان.
۲۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَبْعَاهِدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ مَا تَمُرُّ عَلَيْهِ إِلَّا تَبَاهُدُهُ إِنَّمَا يَمْرَضُ فِي جَسَدِهِ أَوْ مُصِيبَةٌ فِي أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ مُصِيبَةٌ مِنْ مَصَائِبِ الدُّنْيَا لِيَأْجِرَهُ عَلَيْهَا، شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف، چاپ: اول، بی تا، ص ۱۱۴.
۲۲. «يَا سَفِيَانُ إِذَا حَزَنَكَ أَمْرٌ مِنْ سُلْطَانٍ أَوْ غَيْرِهِ فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ الْفَرَجِ وَ كَثْرٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۲۰۱.
۲۳. «إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْعَبْدِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَكْفُرُهَا بِإِثْلَةِ اللَّهِ بِالْخُرْنِ لِيَكْفُرَهَا».

۲۴. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (الروم: ۴۱)».
۲۵. الأنعام، ۴۲.
۲۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ أَعْظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ أَكْثَرِ الْبَلَاءِ وَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ بِبَلَاءٍ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا وَ مَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ، فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ایران، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۲۳.
۲۷. برای مطالعه بیشتر به کتاب آن سوی مرگ، نوشته جمال صادقی، نشر معارف، مراجعه شود، (صادقی، جمال، آن سوی مرگ، به کوشش محمد حسین حاجی ده‌آبادی، تهران: نشر معارف، ۱۳۹۷).
۲۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ایران، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۲۳.
۲۹. الروم: ۴۱.
۳۰. «الْمُؤْمِنُ حَبْرٌ مِنْ ذُنُوبِهِ أَبَدًا يَخَافُ الْبَلَاءَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ، لبني واسطی، علی بن محمد، عیون الحكم و المواعظ، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶، ص ۵۳.
۳۱. «اجْعَلْ كُلَّ حَمَكٍ وَ سَعِيكَ لِلْخَلَّاصِ مِنْ مَحَلِّ الشَّقَاءِ وَ الْعِقَابِ، وَ النَّجَاةِ مِنْ مَقَامِ الْبَلَاءِ وَ الْعَذَابِ، همان، ص ۷۶.
۳۲. «ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالذَّعَاءِ قَبْلَ وَرُودِ الْبَلَاءِ فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَيَّةَ وَ بَرَأَ التَّسَمَةَ الْبَلَاءُ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ انْحِدَارِ السَّيْلِ مِنْ أَعْلَى التَّلَعَّةِ إِلَى اشْفَالِهَا وَ مِنْ رِضَى الْبِرَّادِينَ، همان، ص ۹۳.
۳۳. «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (الشرح: ۵)» إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (الشرح: ۶)».
۳۴. «... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاغِبَتِكُمْ وَ لَا نَاسِئِينَ لِدُكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّادَاءُ وَ اضْطَلَمْتُمْ الْأَعْدَاءُ...، طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج على أهل اللجاج، مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۹۷.
۳۵. «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ».
۳۶. «لَا خَيْرَ فِي عَيْدِ شَكَا مِنْ مَخِئَةِ تَقَدُّمِهَا آفَافٌ وَ تَتْبُعُهَا آفَافٌ رَاحَةٌ وَ مَنْ لَا يَفْضِي حَقَّ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ حَرَمَ جَزَاءَ [قَضَاءِ] الشُّكْرِ فِي التَّغْمَاءِ كَذَلِكَ مَنْ لَا يُوَدِّي حَقَّ الشُّكْرِ فِي التَّغْمَاءِ يَحْرَمُ عَنْ جَزَاءِ [قَضَاءِ] الصَّبْرِ فِي الْبَلَاءِ وَ مَنْ حَرَمَهَا [حَرَمَهَا] فَهُوَ مِنَ الْمَطْرُودِينَ، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مُسَكِّنُ الْفَوَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْبَةِ وَ الْأَوْلَادِ، قم، چاپ: اول، بی تا ص ۵۲.
۳۷. «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (الأنعام: ۴۳)».
۳۸. قرآن: ۷۷، مؤمنون: ۷۶، أعراف: ۵۵ و بقره: ۲۱۴.
۳۹. «قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَمَانًا (الفرقان: ۷۷)».
- «وَلَقَدْ أَخَذْنَا نَاهِمُ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَعَاذُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (المؤمنون: ۷۶)».
- «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُتَعَدِّينَ (الأعراف: ۵۵)».
- «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مِثْلَهُمُ الْبِئْسَاءُ وَ الصَّرَاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (البقرة: ۲۱۴)».
۴۰. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (الأنبياء: ۸۷)».
۴۱. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مِثْلَهُمُ الْبِئْسَاءُ وَ الصَّرَاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (البقرة: ۲۱۴)».
- «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبِئْسَاءِ وَ الصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (الأعراف: ۹۴)».
- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَا نَاهِمُ بِالْبِئْسَاءِ وَ الصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (الأنعام: ۴۲)».
- «وَذَا النُّونِ إِذْ ذُهِبَ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (الأنبياء: ۸۷)».
۴۲. الامام السجاد عليه السلام: «الرضا بمكروه القضاء ارفع درجات اليقين»، مجلسی، ج ۷۵، ص ۱۳۵.
۴۳. «وَلِنَبِّئُوكُمْ بِبَشَىءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ تَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ (البقرة: ۱۵۵)».
- «وَلِنَبِّئُوكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبِّئُوا أَخْبَارَكُمْ (محمد: ۳۱)».
- «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (الملک: ۲)».